

رکورد تورمی

در ایران

فاطمه توکلی

آرbitراژ

آرbitراژ، سایت تحلیلی اقتصاد است که از پاییز ۱۳۹۶ فعالیت خود را آغاز کرده است. این سایت که یکی از زیرشاخه های سایت مجموعه زندگی است به صورت روزانه با مقالات تحلیلی و اختصاصی خود بروزرسانی خواهد شد.

راههای ارتباطی

آدرس سایت آرbitراژ: <http://TheArbitrage.ir>

آدرس سایت مجموعه زندگی: <https://Lifecollection.ir>

ایمیل: info@thearbitrage.ir

ایمیل نویسنده: fatavakoli.ir@gmail.com

ارتباط با ناشر: <https://Lifecollection.ir/contact>

کتاب رکود تورمی در ایران

فاطمه توکلی

ناشر: مجموعه زندگی دیجیتال

کاری از: آرbitراژ، پایگاه تحلیلی اقتصاد

صاحب امتیاز: مجموعه زندگی

نویسنده: فاطمه توکلی

مشخصات ظاهری: فایل پی‌دی‌اف، ۱۹ صفحه

صفحه‌آرایی: رضا توکلی

تاریخ انتشار: آذر ۱۳۹۶

کلیه حقوق نزد ناشر محفوظ است

به موجب ماده ۵ قانون حمایت از مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱، کلیه حقوق این کتاب برای مجموعه زندگی محفوظ می‌باشد و هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق استفاده، کپی برداری (کل یا قسمتی از متن) و ویرایش آن را بدون اجازه کتبی از نویسنده و ناشر ندارد.

بخش اول

رکود تورمی

رکود تورمی ترکیب هم‌زمان دو معضل اقتصادی تورم بالا و نرخ پایین رشد اقتصادی است و عوارض و پیامدهای بسیار نامطلوبی از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر جامعه تحمیل می‌کند که در این میان بعد اقتصادی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علت بروز تورم تغییرات نامناسب نقدینگی است و توزیع نادرست نقدینگی در ایران از مهم‌ترین عوامل رکود تورمی به حساب می‌آید. تجربه کشورهای در حال توسعه نشان داده است که کنترل پایه پولی برای کاهش تورم می‌تواند خطرناک باشد. در عین حال نرخ سود بالای بانکی به تولید ضربه می‌زند و کاهش سود بانکی نیز میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. بنابراین تدوین و تبیین سیاست‌های پولی و مالی و اعتباری در جهت خروج از رکود تورمی امری ضروری و دارای پیچیدگی‌های فراوان به نظر می‌رسد. از این رو بررسی سیاست‌های اعلام شده دولت یازدهم و دوازدهم و نگاه نقادانه به آن امری لازم و سودمند خواهد بود.

کتاب رکود تورمی سعی بر آن دارد تا با تشریح فرآیند ۷ مرحله‌ای رکود تورمی و بیان سیاست‌های بانک مرکزی و سیاست‌های پولی، مالی و اعتباری خروج از رکود تورمی بسته پیشنهادی دولت‌ها و طرح‌های وارد بر سیاست‌های موجود به‌و‌اکاوی شرایط کنونی ایران بپردازد. بدیهی است پیش از هر نوع نقد علمی و تخصصی ناگزیر از یادآوری برخی آموزه‌های علم اقتصاد خواهیم بود. لازم به ذکر است که در نقد سیاست‌های اعمال شده هیچ‌گونه نظر سیاسی و جانبداری سیاسی نخواهد داشت و نقدهای وارده و راهکارهای پیشنهادی کاملاً اقتصادی هستند.

ریشه‌های رکود تورمی در ویژگی‌های ساختاری هر اقتصاد، میزان کارایی سیاست‌های پولی و مالی، ساختار بودجه‌ای دولت، میزان کسش‌پذیری سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، چگونگی جانشینی جبری، الگوهای مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و میزان نقش دولت در اقتصاد نهفته است. نکته قابل توجه آن است که عواملی که در تشدید یا بروز این پدیده در برخی کشورها دخیل بوده‌اند همان عوامل به نوبه خود باعث مقابله و خروج از این وضعیت در کشورهای دیگر شده‌اند. شرایط اقتصادی ایران به‌طور بالقوه آمادگی پذیرش پدیده رکود تورمی را دارد. با توجه به ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران، کسری بودجه‌های مداوم و شوک‌های ارزی حاصل از درآمد نفت و بی‌انضباطی مالی دولت و نهادهای اقتصادی و سیاست‌انبساطی پولی از مهم‌ترین عوامل بروز این پدیده در کشور هستند.

نتایج بیانگر آن است که مهم‌ترین راه‌حل‌های مقابله با رکود تورمی در ایران می‌تواند انضباط مالی دولت از طریق تنظیم صحیح بودجه و اجتناب از تداوم بیشتر کسری بودجه، کنترل و کاهش هزینه‌های جاری دستگاه‌ها، نحوه استفاده از دلارهای نفتی به گونه‌ای که موجب افزایش پایه پولی و بالتبع آن افزایش نقدینگی نشود.

اصلاح ساختار مالیاتی، اصلاح بازارهای مالی و پولی (پرهیز از سیاست‌های انبساطی پولی) و افزایش سرمایه‌گذاری به نحوی که به افزایش تولید منجر شده، پرهیز از سیاست‌هایی که عواقبی چون فعالیت‌های رانت‌جویانه و دلالی دارد (مانند بازار مسکن) و افزایش تولید و بهره‌وری کل عوامل تولید باشد.

مبانی نظری رکود تورمی

رکود تورمی تا قبل از دهه ۱۹۷۰ در ادبیات اقتصادی دنیا مطرح نبود. پس از بحران دهه ۱۹۳۰ و راه حل موفق کینز مبنی بر اعمال سیاست‌های انبساطی در آن زمان مجدداً رکود دهه ۱۹۷۰ به وقوع پیوست و اکثر دولتمردان با توجه به تجربه موفق دهه ۱۹۳۰ مجدداً راه‌حل کینز را انتخاب کردند، در حالی که شرایط اقتصادی آن زمان به طور کلی متفاوت از رکود دوره قبل بود، لذا در این زمان برای اولین بار پدیده رکود تورمی در سطحی گسترده اکثر کشورها را در بر گرفت. به منظور بررسی مبانی نظری در ابتدا لازم است برای درک بهتر پدیده رکود تورمی از مشخصه‌های اصلی آن یعنی رکود و تورم، هر یک به طور مجزا ریشه‌یابی شوند تا به وسیله آن شناسایی علل ایجاد و راهکارهای مقابله با آن آسان‌تر شود.

رکود در اثر یکی از دو عامل «نارسایی تقاضای موثر» یا «تنگناهای طرف عرضه» حادث می‌شود. رکود ناشی از نارسایی تقاضای موثر توسط کینز مطرح شد. وی نشان داد: «تناقض خست» (کاهش تولید ناشی از کاهش تقاضای کل) و تقاضای سفته‌بازی پول جانشین اصلی کارایی تقاضای موثر شده‌اند. کینز راه‌حل برون‌رفت از رکود ناشی از نارسایی تقاضای موثر را در اعمال سیاست‌های انبساطی و افزایش تقاضای کل عنوان کرد، اما در صورتی که رکود به علت نارسایی تقاضا موثر نباشد، اعمال سیاست‌های انبساطی دولت منجر به افزایش قیمت‌ها و ضمیمه کردن تورم به رکود و ایجاد پدیده رکود تورمی می‌شود.

رکود ناشی از «تنگناهای بخش عرضه» غالباً در کشورهای توسعه نیافته به وقوع می‌پیوندد. زیرا در این کشورها زیرساخت‌های اقتصادی مانند شبکه‌های حمل و نقل و ارتباطی، برق و انرژی، مدیریت صحیح، نیروی کار متخصص، تخصیص بهینه منابع، دسترسی به فن‌آوری مناسب و سیستم‌های ارزی کارآ وجود ندارد. از سوی دیگر، این کشورها با نرخ رشد جمعیتی بالا و تقاضای روزافزون روبه‌رو هستند که باعث می‌شود اقتصاد در وضعیت اشتغال ناقص به تعادل برسد و افزایش تقاضا به علت عدم امکان افزایش عرضه متناسب با آن منجر به افزایش قیمت‌ها شود و تولید افزایش نیابد. در واقع در این وضعیت بخش حقیقی اقتصاد قدرت پاسخگویی به انبساط پولی را ندارد.

تورم از عوامل متعددی مانند افزایش حجم پول، افزایش قیمت مواد اولیه، افزایش قیمت‌های جهانی و کالاهای وارداتی، ساختار اقتصادی و... ناشی می‌شود که در یک دسته‌بندی کلی تورم به دو حالت تورم ناشی از فشار تقاضا و تورم ناشی از فشار هزینه تفکیک می‌شود.

تورم ناشی از فشار تقاضا به مفهوم وجود مازاد تقاضا (در بازارپول یا کالا) نسبت به عرضه در اقتصاد است که باعث افزایش سطح قیمت‌ها و تورم می‌شود. افزایش تقاضای کل باعث افزایش تقاضا برای نیروی کار و افزایش دستمزد می‌شود. مواد خام و ماشین‌آلات کمیاب شده و قیمت‌ها افزایش می‌یابند، لذا هزینه تولید بالا می‌رود و در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد و تورم ایجاد می‌شود که سبب می‌شود قدرت خرید کاهش یابد و بنگاه‌ها در عکس‌العمل به آن تولید خود را کاهش دهند، لذا رکود نیز با تورم همراه شده و رکود تورمی شکل می‌گیرد.

تورم ناشی از فشار تقاضا به مفهوم وجود مازاد تقاضا (در بازارپول یا کالا) نسبت به عرضه در اقتصاد است که باعث افزایش سطح قیمت‌ها و تورم می‌شود. افزایش تقاضای کل باعث افزایش تقاضا برای نیروی کار و افزایش دستمزد می‌شود. مواد خام و ماشین‌آلات کمیاب شده و قیمت‌ها افزایش می‌یابند، لذا هزینه تولید بالا می‌رود و در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد و تورم ایجاد می‌شود که سبب می‌شود قدرت خرید کاهش یابد و بنگاه‌ها در عکس‌العمل به آن تولید خود را کاهش دهند، لذا رکود نیز با تورم همراه شده و رکود تورمی شکل می‌گیرد.

در تورم ناشی از فشار هزینه افزایش هزینه‌های تولید یا افزایش قیمت سایر نهاده‌های تولید مانند مواد اولیه یا کاهش عرضه آنها به هر دلیل در سمت عرضه اقتصاد باعث افزایش قیمت‌ها و تورم می‌شود. اگر اتحادیه‌های کارگری بتوانند سطح دستمزدها را بالا نگه دارند کارفرمایان بخشی از نیروی کار را اخراج کرده و سطح تولید را کاهش می‌دهند و رکود تورمی عارض می‌شود.

بخش دوم

فرآیند بروز رکود تورمی

فرآیند بروز رکود تورمی به تاثیر ویژگی‌های ساختاری هر اقتصاد، میزان کارایی سیاست‌های پولی و مالی، ساختار بودجه‌ای دولت، میزان کشش‌پذیری سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، چگونگی جانشینی جبری، الگوهای مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و میزان نقش دولت در اقتصاد و کارایی نهادهای اقتصادی در بروز تورم می‌پردازد.

شرایط اقتصادی ایران به طور بالقوه آمادگی پذیرش پدیده رکود تورمی را دارد. با توجه به ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران، کسری بودجه‌های مداوم و شوک‌های ارزی حاصل از درآمد نفت و بی‌انضباطی مالی دولت و نهادهای اقتصادی و سیاست انبساطی پولی از مهم‌ترین عوامل بروز این پدیده در کشور هستند. نتایج بیانگر آن است که مهم‌ترین راه‌حل‌های مقابله با رکود تورمی در ایران می‌تواند انضباط مالی دولت از طریق تنظیم صحیح بودجه و اجتناب از تداوم بیشتر کسری بودجه، کنترل و کاهش هزینه‌های جاری دستگاه‌ها، نحوه استفاده از دلارهای نفتی به گونه‌ای که موجب افزایش پایه پولی و بالتبع آن افزایش نقدینگی نشود.

اصلاح ساختار مالیاتی، اصلاح بازارهای مالی و پولی (پرهیز از سیاست‌های انبساطی پولی) و افزایش سرمایه‌گذاری به نحوی که به افزایش تولید منجر شده، پرهیز از سیاست‌هایی که عواقبی چون فعالیت‌های رانت‌جویانه و دلالی دارد (مانند بازار مسکن) و افزایش تولید و بهره‌وری کل عوامل تولید باشد.

فرآیند بروز رکود تورمی

فرآیند بروز رکود تورمی هفت مرحله دارد که در این مقاله و مقاله بعد به بیان این مراحل می‌پردازیم.

مرحله اول- آثار مثبت تورم

اولین مرحله از فرآیند بروز رکود تورمی آثار مثبت تورم است که یکی از عوامل موثر بر افراط در زمینه اعمال سیاست‌های تورم‌زا محسوب می‌شود. در صورت کسری بودجه دولت با خلق پایه پولی و افزایش حجم نقدینگی با بروز تورم، آثار مثبت آن را متوجه خود می‌کند. تورم از دو جهت به مساله کسری کمک می‌کند. اول تورم غیرقابل پیش‌بینی ارزش واقعی ذخیره بدهی دولت را کاهش می‌دهد. دوم، این کار سبب ایجاد مالیات تورمی شود به این صورت که در شرایط تورمی مردم برای جلوگیری از کاهش ارزش واقعی ثروت از درآمد خود کمتر خرج می‌کنند و مابه‌التفاوت را به منظور حفظ استاندارد زندگی و تثبیت مصرف آینده حداقل به میزان فعلی، به حساب بانکی خود می‌افزایند.

از آنجا که این مابه‌التفاوت برای مخارج فعلی در دسترس نیست، لذا فرد با افزایش تورم به میزان پس‌انداز خود افزوده است یعنی مابه‌التفاوت را برای تبادل با اضافه پول به دولت پرداخت می‌کند. طبق این فرآیند دولت می‌تواند منابع بیشتری و مردم منابع کمتری را خرج کنند. این امر درست مانند آن است که دولت برای تامین اضافه مخارج، مالیات را افزایش داده باشد.

مالیات تورمی به عنوان ابزار تامین رفاه اجتماعی و اقتصادی، بهداشت و درمان و غیره محسوب می‌شود. در این نوع تامین مالی دولت، بخش خصوصی دچار کمبود نقدینگی قابل توجهی نمی‌شود. زیرا تورم از کانال مالیات تورمی، در درجه اول برای دولت‌ها و سپس به طور غیرمستقیم برای بخش خصوصی با نشر پول پر قدرت، اعتبار سرمایه‌گذاری خصوصی را پاسخ داده و جانشین جبری را تاحدی خنثی می‌کند و به طور کلی نسبت سرمایه‌گذاری به GDP را افزایش می‌دهد و جانشین جبری ناقص می‌شود.

از آثار مثبت دیگر تورم ملایم می‌توان به رشد تولیدات داخلی اشاره کرد. هنگامی که عرضه با کشش باشد. یعنی در اقتصاد ظرفیت‌های بلااستفاده موجود باشد و در مقابل تنگناهای فراروی استفاده از ظرفیت‌های بیکار در اقتصاد وجود نداشته باشد یعنی عرضه نیروی کار متخصص و مواد اولیه (از نظر خرید یا حمل‌ونقل) با مشکل و مانعی روبه‌رو نباشد، با تورم امکان افزایش سطح تولید وجود دارد و اگر اقتصاد از حالتی پایدار برخوردار باشد و تقاضای پول جنبه معاملاتی- احتیاطی داشته و سرعت گردش پول ثابت باشد، سیاست افزایش نقدینگی، تورم قابل ملاحظه‌ای در پی نخواهد داشت.

از سوی دیگر، هرگاه هزینه‌های دولتی عمدتاً جنبه سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی داشته و سرعت گردش پول ثابت باشد، رشد GNP به طور مستقیم تابع نرخ رشد پول پر قدرت خواهد بود یا اینکه اگر افزایش قیمت‌ها شامل عوامل تولید نشود و نیروی کار دچار توهم پولی باشد به طوری که سطح مزد واقعی کارکنان تقریباً ثابت بماند، با افزایش سطح عمومی قیمت، فاصله قیمت فروش از هزینه تولید افزایش یافته و سود سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد در نتیجه تولید افزایش یافته و افزایش GNP و رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

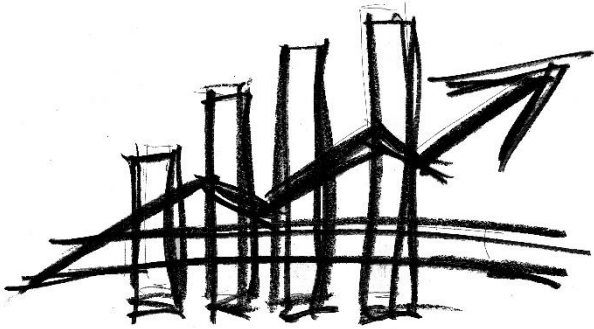
مرحله دوم- منحنی فیلیپس تایید و تکمیلی بر آثار مثبت تورم

دومین مرحله از فرآیند بروز رکود تورمی رابطه معکوس نرخ تورم و نرخ بیکاری است که در ویژگی منحنی فیلیپس وجود دارد. به این مفهوم که به هنگام وجود شرایط رونق اقتصادی و افزایش تقاضای کل از بیکاری کاسته می‌شود، اما بر شدت قیمت‌ها و دستمزدها افزوده می‌شود و در شرایط رکود اقتصادی و کاهش تقاضای کل، بر بیکاری افزوده می‌شود. تبادل در تورم و بیکاری در منحنی فیلیپس سیاست‌گذاران را تشویق به پذیرش تورم بیشتر به قیمت کاهش نرخ بیکاری می‌کنند، زیرا نرخ بیکاری کمتر بالنسبه از مقبولیت بیشتری برای مقاصد سیاسی برخوردار است.

بخش سوم

قانونی شدن تورم توسط دولت

نشان دهند و بر مقدار تولید خود بیفزایند یا از آن بکاهند. برعکس در بلند مدت بنگاه ها فرصت کافي براي تأسيس کارخانه هاي جديد و يا تعطيل کردن کارگاه هاي قبلي دارند.



اما کشورهایی که بخش عرضه بی کشش یا کم کشش است افزایش نقدینگی و استمرار به کارگیری سیاست‌های انبساطی بخش تقاضا بیش از آنکه سطح تولید و اشتغال را افزایش دهد، سبب شدت گرفتن تورم می‌شود و سیاست‌های انبساطی ناشی از قانونی شدن تورم از دو طریق مختلف یکی تنگناهای بخش عرضه اقتصاد و دیگر «انتظارات تورمی» سبب شدت گرفتن تورم شده و فرآیند خود افزای تورم را دامن می‌زند و پیش‌بینی نرخ تورم از میزان واقعی آن فراتر می‌رود و آثار روانی این انتظارات در مصرف، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز سبب تشدید تورم می‌شود.

تغییر در الگوی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به این شکل ظهور می‌یابد که به علت بی‌اعتمادی نسبت به ارزش پول، از پس‌انداز کردن پول خودداری کرده و آن را زودتر خرج می‌کنند تا از تورم بیش‌تر مصون بمانند که این باعث کاهش ذخایر لازم برای سرمایه‌گذاری و نیز افزایش تقاضا برای کالای مصرفی می‌شود و حتی با وجود گران شدن کالاها با اخذ وام اقدام به خریداری آنها می‌کنند، در حالی که در شرایط معمول (بدون تورم) با مقایسه قیمت‌های نسبی، به میزان مصرف و از ارزان‌ترین مکان‌های خرید اقدام به خرید می‌کنند. با تغییر خود افزای تورم سبب منفی شدن آثار مثبت تورمی شده و از طریق دامن زدن به تقاضای سفته بازی کالا سبب ضمیمه شدن پدیده تورم به رکورد اقتصادی یعنی ظهور پدیده رکود تورمی می‌شود.

قانونی شدن تورم بدین معنی است که دولت‌ها به منظور حصول مجدد سطح تولید اشتغال کامل با ابزارهای پولی و مالی در طرف تقاضا وارد عمل می‌شود و با دخالت خود سبب می‌شود مکانیسم خود تسویه‌کننده قیمت‌ها بی‌اثر شود.

مرحله سوم- قانونی شدن تورم

وقتی مداخله‌ای در بازار صورت نگیرد مازاد تقاضا نسبت به عرضه سبب افزایش قیمت می‌شود. این تورم چه ناشی از فشار تقاضا باشد و چه ناشی از فشار عرضه، به عنوان مکانیسم خود تسویه کننده، مازاد تقاضا را هر چند به قیمت کاهش اشتغال و تولید حقیقی باشد حذف می‌کند. اما دولت‌ها به منظور حصول مجدد سطح تولید اشتغال کامل با ابزارهای پولی و مالی در طرف تقاضا وارد عمل می‌شوند و با دخالت خود سبب می‌شوند مکانیسم خود تسویه کننده قیمت‌ها بی‌اثر شود. در واقع دولت‌ها برای ایجاد اشتغال صلاح را در قانونی شدن تورم می‌دانند.

اقتصاددانان اغلب خواهند گفت که تورم ناشی از فشار تقاضا، در نتیجه پول‌های بسیار زیادی است که به دنبال فقط چند کالای خاص هستند. تورم ناشی از فشار تقاضا اصطلاحی است که در اقتصاد کینزی به کار می‌رود تا سناریویی را توصیف کند که در آن سطح قیمت‌ها به خاطر عدم تعادل در عرضه و تقاضای کل افزایش می‌یابد. وقتی در یک اقتصاد تقاضای کل از عرضه کل بیشتر باشد، قیمت‌ها افزایش خواهند یافت.

فشار عرضه یا فشار هزینه پدیده‌ای است که در آن سطح عمومی قیمت‌ها به خاطر افزایش در هزینه‌های حقوق و دستمزد و همین‌طور مواد خام، بالا می‌رود. در ایران به دلیل واردات مواد خام از خارج و تحریم‌ها و نیز به دلیل به روز نبودن برخی از تکنولوژی‌های تولید و عدم استفاده از دانش روز در برخی از صنایع هزینه تولید بسیار زیاد و بهره‌وری سرمایه بسیار پایین است.

قانونی شدن تورم بستگی به «درجه قدرت جذب پول» در اقتصاد دارد. این قدرت توسط شاخصی به نام درجه مانیتیزیشن (monetization) سنجیده می‌شود. اگر درجه مانیتیزیشن (monetization) بالا باشد، نقدینگی افزایش یافته جذب بخش تولید شده و تورم بالایی را در پی ندارد. اما اگر پایین باشد منجر به تورم شدید خواهد شد. درجه قدرت جذب پول در کشورهایی که بخش عرضه با کشش است، بالا است.

براساس قانون عرضه، افزایش قیمت یک کالا باعث افزایش مقدار عرضه آن کالا می‌شود. کشش قیمتی عرضه مقدار تغییر در عرضه را نسبت به تغییر در قیمت اندازه‌گیری می‌کند. وقتی مقدار عرضه واکنش زیادی به تغییرات قیمت نشان دهد، عرضه باکشش است. اگر مقدار عرضه حساسیتی اندک نسبت به تغییرات قیمت داشته باشد عرضه بی کشش است.

عامل بسیار مهم در تعیین کشش عرضه در تمامی بازارها عامل زمان است. معمولاً عرضه در بلندمدت با کشش و در کوتاه مدت بی کشش است. در کوتاه مدت بنگاه‌ها به راحتی نمی‌توانند نسبت به تغییر قیمت واکنش

فرآیند خودافزای تورم

بخش چهارم

فرآیند خودافزای تورم شرایطی است که اقتصاد قادر به استفاده از ظرفیت بیکار خود نبوده و قدرت جذب پول پایین داشته باشد، تورم شدید و دائمی می‌شود و پول‌گریزی رواج می‌یابد و جانشین هر کالایی به پول ارجح خواهد شد. لذا پس‌اندازکنندگان و سودگران پول و کالا هماهنگ شده و قدرت و میل پس‌انداز را کاهش داده که این امر در بلندمدت با افت شدید سرمایه‌گذاری که یکی از منابع اساسی رشد اقتصادی است به طرف رکود پیش می‌روند.

مرحله چهارم - رابطه متقابل فرآیند خودافزای تورم، تقاضای سفته‌بازی کالا و ظهور پدیده رکود تورمی

کینز با مطرح کردن تقاضای سفته‌بازی پول علاوه بر تقاضای معاملاتی-احتیاطی، رکود دهه ۱۹۳۰ را نیز تشریح کرد. وجود تقاضای سفته‌بازی پول از دو سمت عرضه و تقاضا، پدیده رکود تورمی را گسترش داد. در طرف تقاضا به دلیل آنکه پول تابعی از نرخ بهره است و نرخ بهره نیز در حداقل خود قرار داشت، بنابراین به موازات اجرای سیاست انبساطی پول، تقاضای سفته‌بازی آن افزایش می‌یافت و سهم قابل توجهی از افزایش تقاضای معاملاتی پول که مهم‌ترین عامل مشوق بخش عرضه اقتصاد و افزایش رونق اقتصادی است، به خود اختصاص داد.

به طوری که تقاضای معاملاتی پول، ثابت و تقاضای سفته‌بازی آن افزایش یافت. در نتیجه با کاهش قیمت‌ها تقاضای کالاها افزایش نیافته و انگیزه‌ای برای خروج از رکود، پدید نمی‌آید.

در بخش عرضه نیز رفتار سفته‌بازی پول موجب احتکار آن و خارج شدن پول از جریان اقتصادی و تولیدی گشت. از آنجا که رکود ۱۹۳۰ شکاف عمیق بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ایجاد کرده بود، هدف دیگر دولت از اعمال سیاست انبساط پولی، آن بود که با افزایش عرضه پول، نرخ بهره را کاهش داده تا سرمایه‌گذاری افزایش یابد. اما شکاف بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بیش‌تر شد و پول تزریق شده در مسیر تولید قرار نگرفت (LMتقریباً افقی). لذا تقاضای سفته‌بازی پول از هر دو کانال عرضه و تقاضا رکود را گسترش داد و فرآیند خودافزای تورم نمایان شد.

پیرو این امر، اجرای تجویزات کینز بر اقتصاد عارض شد، اما به دلیل رونق پس از رکود تحمل آن را آسان می‌کرد. لذا راه‌حل کینز برای برون‌رفت از رکود دهه ۱۹۳۰ مبنی بر اتخاذ سیاست‌های انبساطی توجیه خوبی برای مثبت ارزیابی شدن کسر بودجه و افزایش حجم نقدینگی شد. اما این مساله در اقتصادی که قادر به استفاده از ظرفیت بیکار خود نبوده و قدرت جذب پول پایین داشته باشد، تورم شدید و دائمی می‌شود و پول‌گریزی رواج می‌یابد و جانشین هر کالایی به پول ارجح خواهد شد. بنابراین دارایی‌های حقیقی مانند طلا، مسکن، زمین می‌خرند و گران‌تر می‌فروشند.

لذا پس‌اندازکنندگان و سودگران پول و کالا هماهنگ شده و قدرت و میل پس‌انداز را کاهش داده که این امر در بلندمدت با افت شدید سرمایه‌گذاری که یکی از منابع اساسی رشد اقتصادی است به طرف رکود پیش می‌روند.

از طرف دیگر به علت بالا بودن تورم تب مصرف و اسراف افزایش یافته و تعجیل در خرید مسکن، اتومبیل، سکه که جنبه معاملاتی نداشته و سفته‌بازی و دلالی است بیشتر و تورم نیز بیشتر می‌شود و هرچه قدر تورم بیشتر شود از ماهیت بادوامی کالا به سمت حتی کالاهای فاسدشدنی می‌روند و تورم شدت می‌گیرد.

در شرایطی که فرآیند خودافزای حاکم می‌شود کارگزاران اقتصادی فعالیت خود را چنان تنظیم می‌کنند که از فعالیت مثبت و موثر خود بکاهند و این امر دقیقاً عکس آن چیزی است که دولت از اتخاذ سیاست انبساطی انتظار داشته است. لذا سیاست انبساطی که به منظور خروج از وضعیت رکودی اتخاذ شده منجر به تشدید تورم و ضمیمه کردن آن به رکود می‌شود.

نکته قابل‌توجه این است که تقاضای سفته‌بازی پول که موجب احتکار آن می‌شود، سرعت گردش پول را کاهش می‌دهد، در حالی که در مورد کالا که موجب افزایش تقاضای کالا می‌شود سرعت گردش پول را افزایش می‌دهد. زیرا در زمان تورم افراد مایلند پول کمتری را نزد خود نگه دارند و لذا به کرات پول را به دست می‌آورند و زمان کمتری را میان وقتی که یک واحد پول را دریافت و پرداخت می‌کنند صرف می‌کنند و به این ترتیب پول سریع‌تر می‌چرخد، شواهد تجربی این پدیده را تایید می‌کند. بنابراین اتخاذ سیاست‌های مناسب برای خروج از رکود تورمی بسیار مهم و همراه با پیچیدگی‌های فراوانی است که به ساختار اقتصادی کشور بستگی دارد.

بخش پنجم

تبدیل آثار مثبت تورم به آثار منفی

تبدیل آثار مثبت تورم به آثار منفی بیانگر شرایطی است که در آن اثر مثبت تورم ملایم بر رشد تولیدات داخلی با استفاده از تئوری انتظارات عقلایی مورد تردید واقع می‌شود و با استفاده از تئوری انتظارات عقلایی نشان داده می‌شود که نیروی کار توهم پولی نداشته و با اجرای سیاست‌های انبساطی فرایند خود افزای تورم شکل می‌گیرد و تاثیری بر نرخ رشد تولید ندارد.

از سوی دیگر نیز کینزی‌ها نشان می‌دهند که وجود توهم می‌تواند حتی در جهت افزایش انتظارت تورمی و گسترش فعالیت‌های کاذب، سفته‌بازی کالا و دلالی عمل کند. در واقع اصل توهم پولی راه‌حلی نیست که بتواند در همه شرایط زمانی و مکانی، تاثیر مثبتی داشته باشد. تورم بر روی توزیع درآمدها تاثیر منفی دارد و توزیع مجدد درآمدی به ضرر سالمندان و جوانانی که درآمد کمتر از حد متوسط دارند و نسبت به تورم آسیب‌پذیر هستند، صورت می‌گیرد. این شرایط مصداق تبدیل آثار مثبت تورم به آثار منفی است.

مرحله پنجم - تبدیل آثار مثبت تورم به آثار منفی

تورم بالای غیر قابل پیش‌بینی ارزش واقعی ذخیره بدهی دولت را کاهش می‌دهد و به این ترتیب افزایش سطح قیمت‌ها باعث کاهش هزینه‌های دولتی می‌شود، اما واقعیت آن است که استمرار چنین کاهش‌ی در هزینه‌های دولتی منوط به آگاهی از نرخ تورم اضافی در قبال نرخ رشد هزینه‌های پولی است. هر چند که وجود کسر بودجه دلیلی بر توجیه پذیری و منطقی بودن آن به نظر می‌رسد اما مانده واقعی مالیات تورمی به اندازه‌ای کاهش می‌یابد که کل درآمد مالیات تورم که دولت دریافت می‌کند، کاهش می‌یابد و هرچند که مالیات تورمی به عنوان ابزار تامین رفاه اجتماعی است اما عملاً غیر تولیدی و تنبل کننده است.

اثر مثبت تورم ملایم بر رشد تولیدات داخلی با استفاده از تئوری انتظارات عقلایی مورد تردید واقع می‌شود و با استفاده از تئوری انتظارات عقلایی نشان داده می‌شود که نیروی کار توهم پولی نداشته و با اجرای سیاست‌های انبساطی فرایند خود افزای تورم شکل می‌گیرد و تاثیری بر نرخ رشد تولید ندارد. از سوی دیگر نیز کینزی‌ها نشان می‌دهند که وجود توهم می‌تواند حتی در جهت افزایش انتظارت تورمی و گسترش فعالیت‌های کاذب، سفته‌بازی کالا و دلالی عمل کند. در واقع اصل توهم پولی راه‌حلی نیست که بتواند در همه شرایط زمانی و مکانی، تاثیر مثبتی داشته باشد. تورم بر روی توزیع درآمدها تاثیر منفی دارد و توزیع مجدد درآمدی به ضرر سالمندان و جوانانی که درآمد کمتر از حد متوسط دارند و نسبت به تورم آسیب‌پذیر هستند، صورت می‌گیرد. این شرایط مصداق تبدیل آثار مثبت تورم به آثار منفی است.

تورم بر سیستم مالیاتی نیز تاثیر منفی می‌گذارد، زیرا در شرایط تورمی، قدرت خرید به شدت کاهش می‌یابد و باعث کاهش درآمد واقعی مالیاتی می‌شود که سبب کاهش منابع مالی دولت می‌شود و زمینه استقراض بیشتر دولت را فراهم می‌آورد.

ریشه‌های رکود تورمی در ویژگی‌های ساختاری هر اقتصاد، میزان کارایی سیاست‌های پولی و مالی، ساختار بودجه‌ای دولت، میزان کشش‌پذیری سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، چگونگی جانشینی جبری، الگوهای مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و میزان نقش دولت در اقتصاد نهفته است.

نکته قابل توجه آن است که عواملی که در تشدید یا بروز این پدیده در برخی کشورها دخیل بوده‌اند همان عوامل به نوبه خود باعث مقابله و خروج از این وضعیت در کشورهای دیگر شده‌اند. نتایج به دست آمده از بررسی حاضر نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی ایران به طور بالقوه آمادگی پذیرش پدیده رکود تورمی را دارد. با توجه به ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران، کسری بودجه‌های مداوم و شوک‌های ارزی حاصل از درآمد نفت و بی‌انضباطی مالی دولت و سیاست انبساطی پولی از مهم‌ترین عوامل بروز این پدیده در کشور هستند.

نتایج بیانگر آن است که مهم‌ترین راه‌حل‌های مقابله با رکود تورمی در ایران می‌تواند انضباط مالی دولت از طریق تنظیم صحیح بودجه و اجتناب از تداوم بیشتر کسری بودجه، کنترل و کاهش هزینه‌های جاری دستگاه‌ها، نحوه استفاده از دلارهای نفتی به گونه‌ای که موجب افزایش پایه پولی و به تبع آن افزایش نقدینگی نشود.

اصلاح ساختار مالیاتی، اصلاح بازارهای مالی و پولی (پرهیز از سیاست‌های انبساطی پولی) و افزایش سرمایه‌گذاری به نحوی که به افزایش تولید منجر شده، پرهیز از سیاست‌هایی که عواقبی چون فعالیت‌های رانت‌جویانه و دلالی دارد (مانند بازار مسکن) و افزایش تولید و بهره‌وری کل عوامل تولید باشد.

مرحله ششم - رکود تورمی

گرچه تئوری‌های اولیه رشد (مانند کینزی و نوکلاسیکی) تورم را عامل جایگزینی دارایی‌های واقعی به جای مالی دانسته و اثر آن را در افزایش سرمایه‌گذاری و دارایی‌های فیزیکی، ارتقا سطح درآمد و انباشت سرمایه مثبت می‌دانند، اما این دیدگاه صرفاً در مورد تورم محدود و غیر لجام گسیخته است.

بعدها با افزایش نرخ تورم صحت این الگوها مورد تردیدی جدی قرار گرفت و از جانب الگوهای رشد پیشرفته‌تر و مکاتب جدیدتر نشان داده شد که نرخ رشد و تورم هم‌گرا نبوده و یکدیگر را به صورت مثبت تحت‌تاثیر قرار نمی‌دهند. تئوری‌های الگوهای رشد درون‌زا که در دهه‌های اخیر مطرح شده است و با اقبال بسیار خوبی مورد پذیرش قرار گرفته بیانگر این واقعیت است که «تورم می‌تواند حتی بر رشد اقتصادی اثر منفی داشته باشد». منحنی تعمیم‌یافته فیلیپس نیز این نظر را تایید می‌کند.

بخش ششم

منحنی تعمیم یافته فیلیپس

منحنی تعمیم یافته فیلیپس با وارد شدن فرض نرخ طبیعی بیکاری و امکان تغییر مکان منحنی فیلیپس کوتاه مدت بدست آمد ، پدیده رکود تورمی با منحنی تعمیم یافته فیلیپس کاملاً توجیه پذیر است. در ادواری که منحنی تعمیم یافته فیلیپس کوتاه مدت جابه جا می شود، نرخ تورم و بیکاری هم سو افزایش می یابند.

از سوی دیگر نیز کینزی ها نشان می دهند که وجود توهم می تواند حتی در جهت افزایش انتظارات تورمی و گسترش فعالیت های کاذب، سفته بازی کالا و دلالی عمل کند. در واقع اصل توهم پولی راه حلی نیست که بتواند در همه شرایط زمانی و مکانی، تاثیر مثبتی داشته باشد. تورم بر روی توزیع درآمدها تاثیر منفی دارد و توزیع مجدد درآمدی به ضرر سالمندان و جوانانی که درآمد کمتر از حد متوسط دارند و نسبت به تورم آسیب پذیر هستند، صورت می گیرد. این شرایط مصداق تبدیل آثار مثبت تورم به آثار منفی است.

مرحله هفتم - منحنی تعمیم یافته فیلیپس و پدیده رکود تورمی

در مورد جریان مبادله منفی میان نرخ تورم و بیکاری برای دوره (۱۹۵۷-۱۸۶۱) در بریتانیا توافقی عملی وجود داشت و میزان تعادل براساس شیب منفی مورد تفسیر قرار می گرفت. اما پس از توجیه شدن تورم با قانونی تلقی شدن آن و بروز عواقب ناشی از آن انتظارات تورمی اوج گرفت. به این ترتیب که افزایش بی رویه حجم پول از سوی مردم مثبت تلقی نشده بلکه حساسیتی خاص نسبت به این موضوع در قالب انتظارات تورمی پدید آمد.

این پدیده خود مزید بر علت شده، سبب تبدیل شدن آثار مثبت تورم ملایم به آثار منفی تورم شتابان و ظهور پدیده هایی چون تقاضای سفته بازی کالا در شرایط بی ثباتی اقتصاد شد و سبب ظهور دوره هایی شد که در آنها تورم به همراه بیکاری افزایش یافت و این مساله باعث شد منحنی فیلیپس در جریان تکاملی قرار گیرد.

بنابه فرضیه نرخ طبیعی، هرگاه تورم به طور ناگهانی ایجاد شود، ولی از سوی دستمزد بگیران درک نشود، ممکن است افزایش قیمت هم نسبت به دستمزدهای اسمی، بیشتر باشد و پایین آمدن دستمزدهای حقیقی، اشتغال را به طور موقت تحریک کند.

اما چنین تبادلی ذاتاً گذراست و در بلندمدت هنگامی که تورم های ناگهانی از بین می روند و انتظارات تحقق می یابند به طوری که دستمزدهای حقیقی در سطح قبلی نسبت به قیمت کالا دوباره برقرار می شوند، بیکاری به نرخ طبیعی (تعادلی) خود بر می گردد. این نرخ با همه نرخ های تورم کاملاً پیش بینی شده پایدار، سازگار است و معرف آن است که منحنی بلندمدت فیلیپس در نرخ طبیعی بیکاری به شکل خط عمودی است. به این مفهوم که نرخ تورم ثابت بالاتر نمی تواند الزاماً موجب کاهش دائمی در تعداد بیکاران شود تلاش برای کاستن بیکاری به میزانی پایین تر از نرخ طبیعی بیکاری در طول منحنی تبادل کوتاه مدت، تنها موجب جابه جایی منحنی های کوتاه مدت می شود همچنانکه انتظارات به نرخ تورم بالاتر تعدیل می شود اقتصاد در وضعیت نرخ طبیعی بیکاری اما تورم بالاتر قرار می گیرد.

لذا در کل می توان بیان داشت که تبادل در طول منحنی فیلیپس ذاتاً پدیده ای گذراست و تلاش برای بهره جویی از آن فقط موجب بالا بردن نرخ تورم دائمی شده بدون آنکه کاهش پایداری را در نرخ بیکاری به وجود آورد.

نتیجه آنکه در کوتاهمدت سیاست‌های تقاضای کل می‌تواند میزان بیکاری را کاهش دهد. اما چنین سیاست‌هایی نمی‌توانند سبب کاهش مستمر در میزان بیکاری شوند. در واقع در فراگرد تطبیق اقتصاد به میزان تورم بالاتر که در ظرف زمانی بلند مدت صورت می‌گیرد دوره‌ای وجود دارد که در آن نرخ تورم و بیکاری هم‌جهت با یکدیگر افزایش می‌یابند.

این دوره تورم فزاینده به همراه بیکاری فزاینده بیانگر وضعیت رکود تورمی است لذا با وارد شدن فرض نرخ طبیعی بیکاری و امکان تغییر مکان منحنی فیلیپس کوتاهمدت، پدیده رکود تورمی با منحنی تعمیم‌یافته فیلیپس کاملاً توجیه‌پذیر است. در ادواری که منحنی تعمیم‌یافته فیلیپس کوتاهمدت جابه‌جا می‌شود، نرخ تورم و بیکاری هم‌سو افزایش می‌یابند.

در زمانی که اقتصاد دچار تنگناهای ساختاری بوده و در وضعیت، «اشتغال شبه‌کامل» باشد انبساط مالی دولت، کسر بودجه‌ای را به‌وجود می‌آورد که بر رشد بلندمدت پول تاثیر می‌گذارد. زیرا اولاً در چنین شرایطی غالباً بازارهای مالی از کارایی لازم برخوردار نبوده و امکان کافی برای تامین کسر بودجه از طریق فروش بدهی به بخش خصوصی (فروش اوراق قرضه از سوی خزانه‌داری) وجود ندارد. ثانیاً چون اقتصاد از رشد کافی برخوردار نیست، دولت هم قادر به پرداخت بهای چیزی که خریداری کرده است، نخواهد بود. لذا برای تامین درصد قابل توجهی از کسر بودجه اجباراً متوسل به اخذ وام از بانک مرکزی خواهد شد و پول پر قدرت بیشتری را چاپ می‌کند در این صورت تورم فزاینده و دائمی خواهد شد.

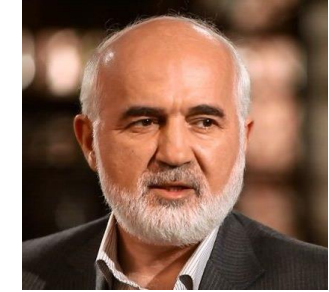
لازم به ذکر است که کسر بودجه لزوماً سبب جانشین جبری کامل نشده و تورم‌زا نیست. بلکه شرط لازم برای اینکه چنین عارضه‌ای به‌وجود آید، آن است که ماهیتی دائمی داشته و بر رشد بلندمدت پول تاثیر گذارد. در این صورت انتظارات تورمی و تقاضای کل افزایش یافته، سبب تورم شتابان و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود.

آن‌گاه طبق تحلیل هفت مرحله‌ای که بیان شد آثار مثبت تورم ملایم به آثار منفی شتابان تبدیل گشته و معضل رکودی نیز با آن توأم می‌شود.

بخش هفتم

سیاست های اقتصادی دولت برای خروج غیر تورمی از رکود

در مقاله حاضر به بسته پیشنهادی دولت یازدهم و نقد های وارد بر آن به هنگام معرفی بسته پیشنهادی می پردازیم و در مقاله های بعد ضمن بررسی نحوه اجرا شدن این اهداف به بیان اثراتی که بر اقتصاد ایران داشته است خواهیم پرداخت و در نهایت برنامه ها و اهداف اقتصادی بیان شده دولت دوازدهم را بررسی خواهیم کرد.



نمایندگان مجلس آقایان احمد توکلی و الیاس نادران

این دو اقتصاددان در نامه ای به ریاست محترم جمهوری نقدهای خود به سیاست های اقتصادی را مطرح کردند. این مدل نئوکلاسیک به دنبال تعادل در بازارهای چندگانه پول، سرمایه، کار و کالا است و نسخه بی‌بديل و همه‌جایی و همه‌گاهی را در حل تنگنای اقتصادی، آزادسازی عرضه و تقاضا در تمام بازارها و خودداری دولت از هر نوع مداخله‌ای در اقتصاد می‌شمارد. نسخه‌ای که صندوق بین‌المللی پول برای چند دهه بر جهان تحمیل کرد و جز چند کشور که از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند، در بقیه کشورها به شکست انجامید.

این نسخه از آغاز دولت سازندگی تاکنون در کشور، کم و بیش، در حال اجرا است و خود یکی از عوامل مهم وضع موجود است. نارسایی این نسخه تعدیل اقتصادی، امروز حتی در خاستگاه آن نیز کتمان نمی‌شود و برای جبران تبعات منفی آن بر جنبه‌های اجتماعی و نیز ناپایداری رشد اقتصادی حاصل از آن، تلاش برای جایگزینی مدل رشد حامی تهیدستان و مدل رشد فراگیر در جریان است تا رشد اقتصادی را با کاهش فقر و مهم‌تر، کاهش فاصله طبقاتی عجین کنند.

روشن است که تحریم نقش حائز اهمیتی در رکود تورمی در دو، سه سال اخیر بازی کرده است؛ ولی آنچه بسته سیاستی در تحلیل وضعیت ارائه داده است، با واقعیات تطبیق درستی ندارد. در واقع، آغاز شرایط رکودی به سال‌های ۸۵-۸۴ باز می‌گردد که درآمد هنگفت نفتی با اصرار رئیس دولت و حمایت اکثریت مجلس، با سرعت در بودجه وارد شد.

در همان ۶ ماه اول دولت آقای دکتر احمدی‌نژاد، یعنی نیمه دوم سال ۱۳۸۴، تزریق دلار نفتی چنان افزایش یافت که اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی سرمایه‌ای سال ۱۳۸۴ را نسبت به سال ۱۳۸۳ به ترتیب، ۵۱/۴ و ۶۲/۷ درصد افزایش داد (انصاف اقتضا دارد تا گفته شود که سهم بالایی از افزایش اعتبارات هزینه‌ای به تصمیمات ماه‌های آخر دولت آقای خاتمی در بالابردن ضریب حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها مربوط بود که متعاقب آن برای رسته‌های دیگر نیز می‌باید اضافه می‌شد).

این حرص و ولع که در گذشته نیز سابقه طولانی داشت، با افت و خیز در سال‌های بعدی نیز ادامه یافت. نتیجه تزریق درآمد هنگفت ارزی (و در فقدان آن، برداشت از حساب ذخیره ارزی برای مقاصد بودجه‌ای) طی ۳ تا ۴ سال بعد، منشأ رکود تورمی بوده است. مسیر تاثیر نیز همین طریق هزینه‌های دولت است. هزینه‌های دولت تقاضای کالاهای قابل تجارت و غیرقابل تجارت، هر دو را افزایش می‌دهد. دولت برای مقابله با تمایل صعودی قیمت‌ها، واردات را در بخش قابل تجارت تسهیل می‌کند. البته آسیب این واردات که عمدتاً کالای مصرفی است، به شکل کاهش تولید بخش صنعت (قابل تجارت) بروز می‌کند. از آن طرف چون عرضه کالای غیرقابل تجارت یا ناممکن است (زمین) یا به سرعت و راحتی مقدور نیست (مسکن)، تورم در آن بخش آغاز می‌شود و سطح عمومی قیمت‌ها را بالا می‌برد، یعنی رکود تورمی به وجود می‌آید.

آغاز هدفمندگردن یارانه‌ها و جهش قیمتی ایجاد شده، رکود تورمی پیشین را تشدید کرد. حذف یارانه‌های سوخت ماهیتاً یک پدیده رکود تورمی است، زیرا با افزایش هزینه تولید، سطح آن را کاهش و قیمت محصول را افزایش می‌دهد، به‌ویژه آنکه با جهش شدید آغاز شد و هیچ اقدام جبرانی برای تولید انجام نگرفت. اصلاح قیمت انرژی چون با رفتار مصرف‌کنندگان و سطح فناوری تولید تولیدکنندگان سر و کار دارد، پدیده‌ای بلند مدت است و فرصت ندادن به بخش تولید برای تعدیل فناوری رکود آفرین است و در حالی که سرمایه در گردش لازم را برای بخش تولید شدیداً افزایش می‌دهد و بازار سرمایه و تامین اعتبار نیز ضعیف است، رکود جدی‌تر می‌شود.

بیماری هلندی و هدفمندی؛ منشأ رکود

شواهد به روشنی نشان می‌دهد که دو عامل بیماری هلندی و هدفمندی به شکل یاد شده، نقش اولیه در پیدایش رکود داشته‌اند. رکودی که تلاطم بازار ارز از اواخر سال ۹۰ و تشدید تحریم‌ها، بر عمق و شدت آن افزود. شاید دردهای قبول این تحلیل در تنظیم بودجه و اصلاح خط و خطای آن، نوع هدفمندی باعث اغماض از واقعیت مشروح شده باشد!

بسته سیاست های اقتصادی ضد رکود وقتی به راه‌حل‌ها می‌رسد با رویکردی واقع‌بینانه و درست آغاز می‌کند که آن تعقیب راه‌حل‌های ضد رکودی و غیرتورمی است. ولی تحت تاثیر همان راهبرد برون‌گرا، از صنعت نفت و پتروشیمی که تاکنون کار اصلی شان خام فروشی بوده است، به‌عنوان بخش پیشران دفاع می‌شود و راه‌حل‌ها از مسیر سیاست خارجی جست‌وجو می‌شود، چون حل مشکلات به پذیرش پارادایم سازمان‌های جهانی گره می‌خورد، تاکید بر آزادسازی در همه بازارها، به‌ویژه در بازار پول، سرمایه و کالا است. در ارائه راه‌حل خروج از رکود باید راهبردهای زیادی مانند دو رکنی بودن اقتصاد (پیشرفت و عدالت) و عمل به اقتضای اقتصاد مقاومتی، ضرورت قطعی حمایت از مستضعفان در مسیر مبارزه با رکود، پرهیز از کشمکش ناشی از قبیله‌گرایی سیاسی و تلاش برای گفت‌وگو و مفاهمه و رها نکردن بازارها به دست عرضه و تقاضا اضافه شوند.

عباس شاکری: اولین نقد به این بسته را می توان در گزارش مرکز پژوهش های مجلس دنبال کرد. هرچند که در این گزارش به صورت صریح عنوان نشده است که در پاسخ به سیاست های اقتصادی بسته پیشنهادی دولت است اما از کناپه های نگارنده متن این گونه بر می آید که پاسخی به دولت می باشد.

شاید اساسی ترین نقد این گزارش وجود نگرش اقتصاد پولی در نگاه دولتمردان است. دکتر عباس شاکری با نقد این دیدگاه که ریشه تورم نقدینگی است می نویسد: تجربه کشورهای در حال توسعه نشان داده است که کنترل پایه پولی برای کاهش تورم می تواند خطرناک باشد. وی بر خلاف نظر دولت عنوان می کند که نرخ سود بالای بانکی به تولید ضربه می زند و پیشنهاد می کند که مقامات پولی هرچه زودتر با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی به تأمین نقدینگی تولید اقدام کرده و بر نحوه انجام آن نظارت شود. سومین نقد این گزارش عدم توجه به متغیرهای اقتصاد سیاسی است. این متغیرها را می توان در شفاف نبودن بودجه، فساد مالی گسترده، قاچاق سازمان یافته و فعالیت های سوداگرانه خلاصه نمود.

فرشاد مومنی: مومنی اقتصاددان برجسته نهادگرا، اعتقاد دارد که بر سیاست های اقتصادی بسته خروج از رکود دولت نگاه تک بعدی حاکم است و دولت برای خروج از رکود باید برنامه جامع تری در نظر بگیرد. مومنی هم چنین بیان کرد که مشکل ایران فقط رکود نیست و گرفتاری ایران رکود تورمی است که این بسته از این نکته غافل مانده است. وی ادامه داد که این بسته نگاه همه دولتمردان نیست و تمامی نظرات دولت در این بسته نیامده است.

علی قنبری: علی قنبری اقتصاددان و استاد دانشگاه در یادداشتی بر سیاست های اقتصادی در روزنامه ایران می نویسد: دولت برای خروج از رکود نیاز به برنامه ای بلند مدت دارد و در قالب یک بسته نمی توان به خروج از رکود امیدوار بود. وی هم چنین تأکید می کند اصلاح ساختارها، تقویت بخش خصوصی، کوچک شدن دولت و عدم وابستگی آن به درآمدهای نفتی و اصلاح سیاست های حکمرانی نظیر پاسخ گویی به ارباب رجوع توسط مسئولان و شفاف سازی و ایجاد فضاهای مثبت باید در کنار این سیاست های تبیین شده مورد توجه قرار گیرند.

ابراهیم رزاقی: ابراهیم رزاقی نیز در مصاحبه ای با روزنامه رسالت می گوید: سیاست های اقتصادی بسته خروج از رکود منطبق با روح سیاست های تعدیل اقتصادی است و پایه تئوری آن نئولیبرالی است. به گفته وی این سیاست ها نه تنها در ایران بلکه در هیچ کجای جهان تجربه موفق نداشته است. وی ادامه داد با ادامه این روند به جایی می رسیم که تمامی عوامل تولید به ضد تولید تبدیل می شوند.

وزیر اقتصاد، دکتر طیب نیا: وزیر اقتصاد به صورت ضمنی به این نقد که انقباض پولی برای کاهش نرخ تورم اشتباه است، پاسخ داد و عنوان کرد که: تا زمانی ثبات در اقتصاد کلان برقرار نشود و نرخ ارز بی ثبات باشد، خروج از رکود امکان پذیر نخواهد بود. وی در جایی دیگر بازم تأکید کرد که رکود منشاء خارجی دارد و با این صحبت، جوابی به نقد الیاس نادران و احمد توکلی داد.

رئیس ستاد هماهنگی اقتصادی، دکتر نجفی: دکتر نجفی با برگزاری نشست خبری به قسمتی از نقدها پاسخ داد. اولین صحبت وی این بود: نباید از این بسته سیاست های اقتصادی دولت انتظار یک برنامه جامع داشت. در ادامه تأکید کرد که این بسته فقط برای سال های ۹۳ و ۹۴ تهیه شده است. وی از سیاست انقباض پولی برای کنترل تورم حمایت کرد. نجفی در انتهای صحبت های خود به نقدهای نادران و توکلی اشاره کرد و گفت: « از تمام انتقادات سازنده استقبال می کنیم و به تمام انتقادات نیز پاسخ خواهیم داد.» اما منتقدان باید تصریح کنند که این نقدها به کدام قسمت این بسته وارد شده است.

مشاور ارشد رئیس جمهور، دکتر نیلی: مهم ترین پاسخ دکتر نیلی به صحبت های دکتر مومنی بود که عنوان کرد: « دولت ادعایی بر کامل و جامع بودن بسته خروج رکود غیرتورمی ندارد و دولت باید آنچه فکر و اجرا می کند را منتشر کند تا به نقد عمومی گذاشته شود.» وی هم چنین تأکید کرد وابستگی زیاد به نفت و وابستگی تولید به انرژی واردات و بانک ضرر زیادی به تولید و اقتصاد وارد کرده است. تورم و رکود باید در کنار هم مورد مطالعه قرار گیرد و راه حل ها با ظرافت اجرا شود تا به تورم لطمه وارد نشود که رکود عمیق را ایجاد کند.

رئیس اتاق بازرگانی ایران: غلامحسین شافعی رئیس اتاق بازرگانی ایران، در گفت و گو با فارس نگرانی های خود در مورد سیاست های اقتصادی بسته را عنوان نمود. وی اعلام کرد که دولت باید کنترل های لازم برای پایبندی به قانون را اعمال کند تا دیگر قوه های فراقانونی همچون بانک ها نتوانند از اجرای قانون سر باز زنند.

جمع بندی:

در یک جمع بندی می توان نقدهای زیر را متوجه بسته سیاست های اقتصادی دولت دانست:

۱) وجود تفکر نئولیبرالی و تأکید بر اقتصاد پولی

۲) نادیده گرفتن فساد مالی

۳) کپی برداری از الگوهای صندوق بین المللی پول

۴) جامع نبودن برنامه و تک بعدی بودن آن

۵) پیشران بودن بخش پتروشیمی

۶) دیدگاه برون نگر برای رشد اقتصادی

۷) عدم توجه به تأمین نقدینگی بخش تولید

۸) نادیده گرفتن تبعات افزایش نرخ سود بانکی و نرخ ارز

این ها عمده ترین نقدهای وارد شده بر برنامه های پیشنهادی دولت بود. البته دولت مردان نیز ساکت نشستند و پاسخ این نقدها را تاحدودی دادند و عنوان کردند که از انتقادهای منصفانه استفاده خواهند کرد. لازم به ذکر است که انتشار برنامه قبل از اجرای آن اتفاقی میمون و مبارک است که این دولت به آن اقدام نموده است. این کار نیکو در نامه منتقدان تحسین شده بود.

در یک جمع بندی باید عنوان کرد نفس این عمل که دولت پیشنهاد خود را به اجماع گذاشته است بسیار خوب است اما نکته مهم تر این است که باید پذیرفت این بسته کامل نیست و دارای ایرادات و ابهاماتی است. لذا نظر اقتصاددانانی که ابراز عقیده کرده اند می تواند راهگشا باشد. حال نوبت دولت است که این حرکت خوب خود را تکمیل کند و از نظرات منطقی منتقدان استفاده کند تا بلاي سیاست های تعدیل گریبان بسته خروج از رکود را نگیرد.

سیاستهای پولی بسته پیشنهادی دولت شاید مهمترین بخش از بسته پیشنهادی باشد زیرا حجم نقدینگی بی سابقه، رشد نقدینگی لجام گسیخته در دولت دهم و مشکلات ناشی از آن سیاستگذاری را با پیچیدگی های فراوانی مواجه ساخته بود. تعیین صحیح اهداف و تدوین سیاستها و تلاش برای اجرای صحیح آنها وظیفه تیم اقتصادی هر دولت مسئول و کارآمدی است.

سیاست های پولی:

- مدیریت و کاهش بدهی بانک ها به بانک مرکزی و جلوگیری از اضافه برداشت بانک ها
- عدم افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی
- افزایش ضریب فزاینده نقدینگی
- اصلاح و انعطاف در نرخ های سود بانکی متناسب با تورم انتظاری و فراهم نمودن زمینه رقابت بین بانک ها
- یکسان سازی و کاهش تدریجی نسبت سپرده قانونی بانک ها متناسب با تغییرات نرخ تورم
- بهبود ترکیب پایه پولی به نفع دارایی های خارجی
- افزایش و بهبود کارایی ابزارهای در اختیار بانک مرکزی برای کنترل پایه پولی
- منوط کردن هر گونه برداشت از منابع صندوق توسعه ملی به عدم افزایش پایه پولی

نقد سیاست های پولی

به نظر می رسد سیاستهای پولی تبیین شده برای خروج از رکود تورمی با نادیده گرفتن معضلات سیستماتیک موجود، به ویژه در نظام بانکی و اداری کشور و رها کردن امور به اسم بازاری و رقابتی کردن فعالیتها، در وضعیت ما به منزله میدان دادن بیشتر به معضلات گسترده موجود است. «شناور کردن نرخ سود بانکی متناسب با تورم انتظاری» و «ایجاد رقابت بین بانکها» که سیاست مطلوب دولت اعلام شده به دلیل وجود تجربه تلخ سالهای اخیر در مسابقه مخرب بانکها و موسسات مالی و اعتباری برای جذب سپرده بیشتر، نرخ را به ۳۵ و حتی ۵۰ درصد می کشاند. سیاست شناور کردن نرخ سود بانکی به اسم ایجاد رقابت بین بانکها، اقدامی رکود افزا است نه ضد رکود. در همان حال تورم طرف عرضه را نیز تشدید می کند. یعنی به جای درمان، بیمار را احیانا می کشد!

انحراف نقدینگی بیشتری به سوی سوداگری، یکی دیگر از تبعات سیاست پیشنهادی دولت است. هم اکنون سهم بخش بازرگانی و خدمات از تسهیلات شبکه بانکی بیش از ۶۲/۷ درصد است. در صورت اجرای سیاست پیشنهادی چه سهمی برای صنعت و معدن و کشاورزی خواهد ماند؟ وقتی دارندگان فعلی اوراق مشارکت دولتی برای تبدیل اوراقشان و استفاده از نرخ های جدید هجوم آوردند دولت چه خواهد کرد؟ آیا با نرخهای بالای جدید پروژههایی باقی می ماند که معقول و اقتصادی باشد؟ قدرت رقابتی صادرکنندگان ما چه می شود؟ اساسا افزایش نرخ بهره را سیاستی انقباضی معرفی می کنند و برای مقابله با رکود کاهش نرخ بهره را یک راه درمان می شمارند.

از سوی دیگر با اینکه وزن اصلی ایجاد اشتغال، ارزش افزوده و رشد اقتصادی کشور بر دوش بخش تولید کشور است، اما نصیب شان از تسهیلات بانکی نسبت به تاثیرشان در اقتصاد، ناچیز به نظر می رسد.

بخش هشتم

سیاست های پولی بسته پیشنهادی دولت یازدهم

سهم صنعت و معدن در ارزش افزوده گروه صنایع و معادن، ۶۳ درصد، ساختمان، ۲۹ درصد و آب و برق حدود ۸ درصد است. از طرفی هم سهم صنعت و کشاورزی در اشتغال ۷/۲ و ساختمان ۲/۹ میلیون نفر است که با توجه به این سهم بالا در ارزش افزوده و اشتغال، دریافتی بخش صنعت و معدن از تسهیلات نظام بانکی کشور، از ۴۷ درصد به ۳۱ درصد رسیده است.

روند حجم استفاده از تسهیلات بانکی نشان می‌دهد بخش صنعت از کمترین منابع استفاده کرده که این موضوع نشان‌دهنده تنهایی بخش تولید واقعی در نظام بانکی کشور است؛ چون تسهیلات به جایی رفته که ارزش افزوده کمتری را ایجاد کرده و تولیدکنندگان واقعی به دلیل اینکه منابع بانکی به موقع در اختیارشان قرار داده نشده است با رکود تولید مواجه شده‌اند.

از نظر این فعال اقتصادی بانک‌های کشور حتی در دوره تحریم‌ها فعالیتی سودآور داشته‌اند. سود آوری بانکها عمدتاً ناشی از سرمایه گذاری بر آنچه سم حسابداری خوانده می شود بدست آمده و ناشی از عملیات بانکی نیست. لحاظ دارایی های مثبت در ترازنامه سبب بهبود وضعیت ترازنامه، نمایش سود آوری بیشتر و موجب رضایت صاحبان سهام خواهد شد. از این رو بانکها برای جلب رضایت صاحبان سهام به سرمایه گذاری در ملک و دارایی های ثابت و فعالیت های تجاری خارج از حیطه بانکداری که اصطلاحاً بانکداری بنگاهی نامیده می شود رود آوردند. این در حالی است که عمده تولیدکنندگان با مشکل کاهش تولید دست و پنجه نرم کرده‌اند فلذا تولید کنندگان بانکها را عامل اصلی رکود می دانند.

بررسی اجزای تشکیل دهنده نقدینگی در اقتصاد ایران از ابتدای دهه ۹۰، حاکی از آن است که از سال ۱۳۹۰ تا نیمه اول ۱۳۹۲ نرخ رشد پول و شبه پول با وجود تفاوت‌هایی، به یکدیگر نزدیک بوده است. اما با روی کار آمدن دولت یازدهم از نیمه دوم ۱۳۹۲ دگردیسی مهمی در بازار پول رخ داده است. نرخ رشد شبه پول (متوسط ۱۲ ماهه) از ثبات نسبی برخوردار بوده و با مسیر نزولی بسیار کند و نامحسوس مواجه بوده است و در پایان خرداد ۱۳۹۴ به ۲۶/۸ درصد رسیده است. این در حالی است که نرخ رشد حجم پول (متوسط ۱۲ ماهه) در همین دوره با سیر نزولی شدید و مداومی مواجه شده و از حدود ۲۴ درصد در مهر ۱۳۹۲ به ۴ درصد در پایان خرداد ۱۳۹۴ رسیده است.

گزارش بانک مرکزی از آمارهای پولی در خرداد ۱۳۹۴ نشان می‌دهد شکاف بزرگی معادل ۲۲/۷ درصد میان نرخ رشد پول و شبه پول در سال منتهی به خرداد ۱۳۹۴ به وجود آمده است که حاکی از دگردیسی مهم در بازار پول و کاهش مداوم درجه نقدشوندگی بازار پول از نیمه دوم سال ۱۳۹۲ تاکنون بوده است. بنابراین با تغییر به وجود آمده در ترکیب نقدینگی به سمت کاهش سهم پول و کاهش درجه نقدشوندگی می‌توان گفت یکی از عوامل اصلی کاهش نرخ تورم از نیمه دوم سال ۱۳۹۲ در کنار عوامل دیگر از جمله ثبات نرخ ارز و کاهش انتظارات تورمی، همین تغییر در ترکیب اجزای نقدینگی بوده است.

اثر دیگر این امر نیز در نرخ سود بانک‌ها تجلی می‌یابد؛ چرا که با تغییر سهم حجم پول و کاهش آن و تمایل بیشتر فعالان اقتصادی به سپرده‌های مدت‌دار، هزینه تمام شده منابع بانک‌ها با افزایش مواجه شده است. بنابراین در شرایطی که کاهش نرخ سود بانکی از سوی کارشناسان اقتصادی تاکید شده است، بالا رفتن هزینه تمام شده منابع مالی بانکداران به خاطر کاهش سپرده‌های دیداری که برای بانک‌ها هزینه کمتری دارد، به یکی از دلایل مقاومت در جلوگیری از کاهش نرخ سود بانکی تبدیل شده است.

بخش نهم

دگردیسی بازار پول

دگردیسی بازار پول به تغییر نسبت میان شبه پول و پول تاکید دارد . پدیده ایی که در سال ۹۲ جهت کنترل نقدینگی و تورم ناشی از آن صورت پذیرفت.

سیاستهای پولی بسته پیشنهادی دولت شاید مهمترین بخش از بسته پیشنهادی باشد زیرا حجم نقدینگی بی سابقه ،رشد نقدینگی لجام گسیخته در دولت دهم و مشکلات ناشی از آن سیاستگذاری را با پیچیدگی های فراوانی مواجه ساخته بود.تعیین صحیح اهداف و تدوین سیاستها و تلاش برای اجرای صحیح آنها وظیفه تیم اقتصادی هر دولت مسئول و کارآمدی است.

دگردیسی بازار پول

نقدینگی در گردش اقتصاد شامل دو جزء اصلی پول و شبه پول است. تفاوت اصلی این دو جزء در درجه نقدشوندگی آنها است؛ به نحوی که حجم پول شامل اسکناس و مسکوک و سپرده های دیداری در واقع پول نقد هستند؛ درحالی که شبه پول مانند سپرده های مدت دار است که از درجه نقدشوندگی پایین تری نسبت به پول برخوردار است.

بنابراین با توجه به درجه متفاوت نقدشوندگی اجزای نقدینگی، تغییرات ترکیب نقدینگی بین دو جزء پول و شبه پول از درجه اهمیت برخوردار است. بررسی اجزای تشکیل دهنده نقدینگی در اقتصاد ایران از ابتدای دهه نود، حاکی از آن است که از سال ۱۳۹۰ تا نیمه اول ۱۳۹۲ نرخ رشد پول و شبه پول با وجود تفاوت هایی، به یکدیگر نزدیک بوده است. اما با روی کار آمدن دولت یازدهم از نیمه دوم ۱۳۹۲ دگردیسی بازار پول رخ داده است.

درحالی که نرخ رشد شبه پول (متوسط ۱۲ ماهه) از ثبات نسبی برخوردار بوده و با مسیر نزولی بسیار کند و نامحسوس مواجه بوده است و در پایان خرداد ۱۳۹۴ به ۸/۲۴ درصد رسیده است اما در همین دوره نرخ رشد حجم پول (متوسط ۱۲ ماهه) با سیر نزولی شدید و مداومی مواجه و از حدود ۲۴ درصد در مهر ۱۳۹۲ به مرز ۴درصد در پایان خرداد ۱۳۹۴ رسیده است. البته نرخ رشد نقطه به نقطه حجم پول در بهار ۱۳۹۴ نسبت به بهار ۱۳۹۳ به منفی ۲درصد نیز رسیده است که به معنای کاهش حجم پول در این دوره است.

اتفاقی که پس از انقباض شدید پولی سال ۱۳۸۷ به بعد مشاهده نشده است. بنابراین براساس آخرین گزارش بانک مرکزی از آمارهای پولی در خرداد ۱۳۹۴، شکاف بزرگی معادل ۷/۲۲ درصد میان نرخ رشد پول و شبه پول در سال منتهی به خرداد ۱۳۹۴ به وجود آمده است که حاکی از دگردیسی بازار پول و کاهش مداوم درجه نقدشوندگی بازار پول از نیمه دوم سال ۱۳۹۲ تاکنون بوده است.

پیامدهای ضدتورمی دگردیسی بازار پول

با روی کار آمدن دولت یازدهم سیر نزولی تورم از مرز ۴۰ درصد در مهرماه ۱۳۹۲ آغاز شد و پس از یک سال در مهرماه ۱۳۹۳ به زیر ۲۰ درصد کاهش یافت. سیر نزولی تورم تا پایان سال ۱۳۹۳ نیز تداوم یافت و تا مرز ۱۵ درصد نیز کاهش یافت. در حالی که سیر نزولی تورم از ابتدای سال ۱۳۹۴ متوقف شده بود، در تیر ماه نرخ تورم ماهانه برای اولین بار پس از سال ۱۳۸۷ منفی شد و در مرداد نیز ارقام منفی تورم ماهانه تداوم یافت. در همین حال نرخ تورم نقطه به نقطه (۱۲ ماهه) پس از توقف چند ماهه در سیر نزولی، مجددا در مسیر نزولی قرار گرفت و در ماه مرداد به ۶/۱۲ درصد کاهش یافت.

نرخ ارز حتی پس از توافق هسته ای نه تنها با کاهش مواجه نشده، بلکه به صورت محدودی افزایش یافته است و بر این اساس نرخ ارز نمی تواند عاملی برای کاهش اخیر نرخ تورم باشد. نرخ رشد نقدینگی (متوسط ۱۲ ماهه) نیز با سیر نزولی بسیار محدودی مواجه بوده و در پایان خرداد به ۶/۲۲ درصد رسیده است که چنین نرخ رشد نقدینگی نیز نمی تواند عامل تعیین کننده ای برای کاهش اخیر نرخ تورم باشد.

در این میان برخی کارشناسان حصول توافق جامع هسته ای و اثرات آن بر انتظارات را عاملی برای کاهش های اخیر نرخ تورم از تیرماه می دانند. این امر البته تا حدودی موثر بوده است، اما با توجه به افزایش نرخ ارز که عامل مهمی در تعیین انتظارات تورمی است، احتمالا عامل دیگری نیز در نزول تورم ایفای نقش کرده است. به نظر می رسد این عامل مهم، دگردیسی بازار پول بوده است. همان طور که تشریح شد، از نیمه دوم سال ۱۳۹۲ با وجود ثبات نسبی نرخ رشد شبه پول، نرخ رشد پول (متوسط سالانه) به شدت کاهش یافته و در خرداد به مرز ۴درصد کاهش یافته است، در همین حال نرخ رشد نقطه به نقطه پول منفی بوده است.

بنابراین با وجود اینکه نرخ رشد نقدینگی از کاهش اندک برخوردار بوده است، اما ترکیب نقدینگی به سمت کاهش سهم پول و کاهش درجه نقدشوندگی بازار پول بوده است. اگرچه رشد نقدینگی عامل اصلی تورم است، اما قطعا اثرات تورمی اجزای آن شامل پول و شبه پول بر نرخ تورم متفاوت است و انتظار این است که تغییرات رشد حجم پول نسبت به شبه پول اثرات قوی تری بر نرخ تورم داشته باشد.

بنابراین می توان این فرضیه را مطرح کرد که سیر نزولی شدید رشد حجم پول از نیمه دوم سال ۱۳۹۲ یکی از عوامل کلیدی کاهش نرخ تورم در کنار عامل کاهش نرخ ارز بوده است. در حال حاضر نیز با وجود ثبات نرخ ارز و ثبات رشد شبه پول، تداوم سیر نزولی نرخ رشد پول و منفی شدن آن (نرخ رشد نقطه به نقطه پول) در فصل بهار نقش مهمی در تداوم سیر نزولی تورم در دوره اخیر داشته است و چنین نرخ های پایینی برای نرخ رشد حجم پول می تواند نیروی قابل توجهی برای کاهش بیشتر نرخ تورم نیز فراهم کند.

اثر دگردیسی بازار پول روی نرخ سود بانکها

بررسی نموداری سهم حجم پول از نقدینگی در دولت یازدهم حاکی از سیر نزولی آن است به نحوی که این نسبت در فروردین ۱۳۹۲ از حدود ۲۱ درصد طی مسیر نزولی بسیار کند و نامحسوس تا شهریور ۱۳۹۲ به ۲۰ درصد کاهش یافت و پس از آن با روندی به شدت نزولی تا خرداد ۱۳۹۴ به ۱۵ درصد تنزل یافته است. کاهش این نسبت بیانگر تغییر ترکیب نقدینگی و افزایش سهم شبه پول در ترکیب نقدینگی است. این در حالی است که در سال های قبل از این تغییر در ترکیب اجزای نقدینگی (حجم پول و شبه پول)،

سپرده های جاری بانکها که قدرت نقدشوندگی بالاتری نسبت به سپرده های مدت دار بانکی دارند، سهم بیشتری از نقدینگی را به خود اختصاص داده بودند. با توجه به این نکته که نرخ سود سپرده های دیداری برای بانکها خیلی پایین تر از سپرده های مدت دار است، هزینه تمام شده منابع مالی بانکها پایین تر بوده است. اما اکنون که ترکیب اجزای نقدینگی با روی کار آمدن دولت یازدهم بیشتر به سمت شبه پول انتقال پیدا کرده است و حساب های بانکی نیز بیشتر به سمت سپرده های مدت دار تمایل پیدا کرده اند، هزینه تمام شده منابع مالی بانکها بالاتر رفته است.

سیاست های ارزی دولت کاهش تدریجی شکاف بین نرخ ارز مبادله‌ای و بازار اعلام شده است. چنین هدف گذاری نیازمند رصد کامل بازار ارز و اجرای هوشمندانه سیاست هاست.

سیاستهای پولی بسته پیشنهادی دولت شاید مهمترین بخش از بسته پیشنهادی باشد زیرا حجم نقدینگی بی سابقه، رشد نقدینگی لجام گسیخته در دولت دهم و مشکلات ناشی از آن سیاستگذاری را با پیچیدگی های فراوانی مواجه ساخته بود. سیاست های ارزی نیز به دلیل رشد بی سابقه نرخ ارز به سیاست هایی هوشمندانه نیازمند بود. تعیین صحیح اهداف و تدوین سیاستها و تلاش برای اجرای صحیح آنها وظیفه تیم اقتصادی هر دولت مسئول و کارآمدی است.

نقد سیاست های ارزی

افزایش نرخ اسمی ارز به معنای گران شدن واردات است. مهم‌ترین سیاست ارزی دولت «کاهش تدریجی شکاف بین نرخ ارز مبادله‌ای و بازار» اعلام شده است. یعنی ظرف تقریباً یک‌سال و نیم مثلاً دلار ۲ هزار و ۶۴۳ تومانی مبادله‌ای را می‌خواهد به نرخ آزاد پایان ۱۳۹۴ برساند. وقتی بانک مرکزی نرخ مبادله‌ای را زیاد می‌کند، نرخ آزاد هم زیاد می‌شود. فرض می‌کنیم قیمت آزاد به هیچ‌تکانه و بحرانی دچار نشود و با روند افزایش آغاز سال تا کنون همپای نرخ مبادله‌ای رشد کند. تقریباً ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت. حدود ۸۷ درصد واردات ما را کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل می‌دهد. پس عمده ورودی بنگاه‌های تولیدی تا ۴۰ درصد گران می‌شود.

با توجه به سهم اصلی این اقلام در قیمت تمام شده، این تصمیم به معنای افزایش قیمت تمام شده به نسبت سهم واردات در هزینه تولید است. به عبارت دیگر، دولت که خود علت اصلی رکود را افزایش هزینه تولید تحلیل کرده است با این تصمیم لاقط در کوتاه مدت خودش به رکود دامن می‌زند. در عین حال، تورم طرف عرضه را نیز تشدید می‌کند.

نقد سیاستهای بودجه ای و مالیاتی

مقایسه سهم هزینه‌های جاری و عمرانی دلالت دارد بر اینکه بخش قابل توجهی از مخارج دولت صرف هزینه‌های جاری می‌شود که تفاضل بین آنها در طی زمان روندی صعودی به خود گرفته است.

تنظیم صحیح بودجه تا چه حد می‌تواند رکود تورمی را کنترل کند؟ با توجه به ساختار ایران یکی از دلایل عمده تورم مزمن در کشور تداوم کسری بودجه است. لذا دولت می‌تواند با هماهنگی کامل با سیاست‌های مالی و پولی از افزایش بی‌رویه در هزینه‌های جاری خودداری کند و هزینه‌ها را متناسب با منابع داخلی درآمدی (مالیاتی)، صادرات غیرنفتی و... در بودجه سالانه لحاظ کند و علاوه بر آن خود را پایبند به بودجه مصوب شده نموده و خارج از چارچوب آن هزینه نکند. در واقع انضباط مالی دولت از عوامل مهم جلوگیری از بروز پدیده رکود تورمی در ایران است.

موارد مختلفی در تنظیم بودجه باید مورد توجه قرار گیرد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تخصیص بهینه منابع و بر خورداری طرح‌های عمرانی از توجیه اقتصادی و جلوگیری از اتلاف منابع و نیز بالا بردن درجه پیروی دولت از بودجه از عوامل موثر در جلوگیری از بروز یا زودگذر بودن رکود تورمی است.

بخش دهم

سیاست های ارزی ، بودجه‌ای و مالیاتی پیشنهادی دولت یازدهم

آرbitrage

WWW.THEARBITRAGE.IR

بهبود ساختار مالیاتی نیز از عواملی است که در بودجه باید مورد توجه قرار گیرد. در کشور ما عمده مالیات را کارمندان و شرکت‌های دولتی پرداخت می‌کنند، در حالی که در نقل و انتقالات مالیات مناسبی گرفته نمی‌شود که خود این مساله باعث افزایش انگیزه دلالی و تقاضای سفته‌بازی کالا می‌شود (مخصوصاً در بازار مسکن که سهم عمده‌ای از درآمد خانواده‌های متوسط به پایین، بابت اجاره پرداخت می‌شود که باعث افزایش هزینه کالاهای اساسی خانوار و تورم بالا می‌شود).

از سوی دیگر چون سرمایه‌ها را به سمت دلالی در بخش مسکن سوق می‌دهد، از سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی جلوگیری می‌شود و زمینه را برای رکود آماده می‌سازد. بنابراین اصلاح ساختار مالیاتی باید به گونه‌ای باشد که نه تنها انگیزه بخش تولیدی را کاهش ندهد، بلکه سرمایه‌های بخش دلالی و غیرتولیدی را به سمت فعالیت‌های تولیدی بکشاند. به این صورت که بستن مالیات بر فعالیت‌های سفته‌بازی کالا و دلالی که سود زیادی نصیب دلالان آن می‌کند، می‌تواند تاثیر مهمی بر سرازیر شدن سرمایه‌ها به جای بخش دلالی به ویژه بخش مسکن که در ایران سرمایه‌ها را جذب خود کرده و سود سرشاری را نصیب دلالان این بخش کرده، به بخش تولیدی منتقل شود و به جای آن با معافیت مالیاتی از بخش‌های تولیدی، سرمایه‌دارها را تشویق کرده و به سمت تولید سوق داد.

مهیا کردن شرایط برای فعالیت بخش خصوصی، جدای از منابع درآمدی (مالیاتی) که برای دولت ایجاد می‌کند، باعث افزایش تولید و رونق اقتصادی می‌شود.

درواقع بودجه باید به گونه‌ای تنظیم شود که درصد بیشتری از منابع در اختیار دولت به سوی فعالیت‌های تولیدی و مولد سوق داده شود به نحوی که عایدی دولت را نیز افزایش دهد و براساس بودجه، زمینه توسعه صادرات بایستی فراهم شود. درنهایت تنظیم دقیق‌تر بودجه می‌تواند هم فشار قیمتی و هم کاهش تولید و به تبع آن اشتغال را جبران کند.

منابع:

تورم رکوردی در اقتصاد ایران، ۱۳۸۲م. تقوی، س.ا. غروری نخجوان، پژوهشنامه اقتصادی ایران

تحلیل وضعیت اقتصادی کشور ایران، ارزیابی وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی، ۱۳۹۲ع. شاکری

روزنامه دنیای اقتصاد، راهکارهای خروج از رکود تورمی - شماره ۳۱۵۸

سیاست‌های بانک مرکزی برای خروج از رکود تورمی، ۱۲ شهریور ۱۳۹۲، دکتر قربانی

روزنامه دنیای اقتصاد، مامور دو جانبه بازار پول، شماره ۳۵۷۳

ارزیابی اثرات سیاست‌های آزاد سازی مالی و تغییرات نرخ بهره بانکی بر توسعه بخش مالی بانکی در اقتصاد ایران (با استفاده از تکنیک VECM) ۱۳۸۶ع. ازوجی، ع. فرهادی کیا، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی صفحات ۱۴۰:۱۱۹